

## درباره

### بیمه کارگران ساختمانی همچنان قطع است

سازمان تامین اجتماعی می‌شنویم اما این وعده‌ها مشکلی راحل نمی‌کند.

او یادآورشد: متأسفانه برای سالاری تعداد کمی سهمیه به کارگران ساختمانی استان گلستان اختصاص داده شد که کفاف شمار تعداد کارگران را نمی‌کند.

این فعال کارگری بایان اینکه کارگران ساختمانی از اقبشار ضعیف جامعه هستند و نباید بیش از این در فشار معیشتی قرار بگیرند، گفت: از مسئولین سازمان و نمایندگان مجلس می‌خواهیم به پلاتکلیفی کارگران ساختمانی پایان دهند. درعین‌حال نمایندگان مجلس قول‌های بی‌عمل برای رفع مشکلات بیمه‌ای کارگران ندهند.

مدت زیادی است که فعالان کارگری نسبت به قطع بیمه کارگران ساختمانی و شانه خالی کردن تامین اجتماعی از زیر بار مسئولیت، انتقاد داشته‌اند. پیش‌تر، «روح‌الله محمدی» رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان بندرگز نیز از برخورد کارگران ساختمانی با کارگران ساختمانی انتقاد کرده

گفته بود: سازمان تامین اجتماعی نه‌تنها سهمیه جدید برای بیمه کارگران و استادکاران ساختمانی اختصاص نداده بلکه برخورد نامناسبی هم ندارد؛ مدام به بهانه‌های واهی بیمه کارگران محروم و زحمتکش ساختمانی را قطع می‌کند. محمدی در ارتباط با رویکردهای نامناسب تامین اجتماعی افزود: سختگیری‌ها و بهانه‌جویی‌ها جهت بازرسی بیمه‌ای از کارگران ساختمانی، هم بی‌نظیر است و هم معیبه؛ انگار این کارگران که از حق قانونی خودشان یعنی بیمه تامین اجتماعی محروم شده‌اند، خدای‌ناکرده جرم و جنایتی مرتکب شده‌اند یا مجرم قابل پیگرد هستند!

به گفته این فعال صنفی، مشخص نیست کارگران ساختمانی چه هیزم تری به مدیران سازمان تامین اجتماعی فروخته‌اند که این‌چنین شمشیر را از رو بستند و دم‌بدم به دنبال قطع بیمه این کارگران هستند.

## تذکره

### آموزش سواد مالی به کودکان

می‌توانید شغل خودتان و سایر شغل‌ها در جامعه را به کودکان معرفی کنید. همچنین می‌توانید او را یک روز با خود به سرکار ببرید.

مخارج: برای تامین نیازهای روزانه خود نیاز به‌صرف پول داریم. خرج کردن هوشمندانه از مهارت‌های مالی اساسی است که باید به فرزندان خود آموزش دهیم. برای این کار تفاوت میان خواسته‌ها و نیازها را به آن‌ها آموزش دهید. نیازها شامل اقام ضروری (مانند نان) است که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و خواسته‌ها شامل مواردی است که می‌توان بدون آن‌ها زندگی کرد. لیست خرید راه خوبی است که کودک یاد بگیرد میان خواسته‌ها و نیازها تفاوت قائل شود.

پس‌انداز: وقتی کودکان از شما تقاضای اسباب‌بازی کرد، می‌توانید از این موقعیت برای آموزش پس‌انداز استفاده کنید. به او پیشنهاد کنید پول توجیبی یا پول‌های مناسبتی خود را پس‌انداز کند و آن اسباب‌بازی را بخرد. باین‌حال مراقب باشید کودک از رسیدن به هدفش دلسرده نشود. برای این کار می‌توانید به او پیشنهاد دهید شما بخشی از هزینه خرید اسباب‌بازی موردنظر را تقبل می‌کنید. در سن‌های پایین‌تر (کمتر از دوازده سال) پس‌انداز بلندمدت برای کودکان سخت است، به همین خاطر با پس‌انداز برای اهداف کوتاه‌مدت (خرید خوراکی مورداطلاعه) شروع کنید. پس‌انداز رسیدن به یک خواسته مشترک نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد.

سرمایه‌گذاری: خوب است بچه‌ها بدانند سرمایه‌گذاری مهارتی است که هر کس بدون توجه به پیشینه مالی و شغلی خود می‌تواند در آن مهارت کسب کند. هدف از آموزش سرمایه‌گذاری آشنایی با رویه‌های سرمایه‌گذاری است. باین‌حال توجه داشته باشید برای خریدهای کوچک‌تر (مانند اسباب‌بازی) می‌توانید پول را در برمی‌گیرید: درآمد، مخارج یا هزینه کردن، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و بخشش است:

درآمد: کودکان به‌ندرت تلاش ما برای به دست آوردن پول را می‌بینند، آن‌ها فقط می‌بینند که ما با استفاده از پول نقد یا کارت اعتباری خرید می‌کنیم. برای آموزش مفهوم درآمد به کودکان می‌توان از پول توجیبی استفاده کرد؛ زیرا آن‌ها منبع درآمدی ندارند.

به کودک خود توضیح دهید برای داشتن پول باید کار کنید و در قبال آن به شما پول می‌دهند.

## تذکره

### به افتخار سعدی سینمای ایران:

### از هزارستان تا دلشدگان

**حمیدرضا عظیمی** - تاریخ روی پرده نقره‌ای جان گرفته است. صحنه‌ها پشت سر هم می‌روند و می‌آیند و انگار سنوایی از خاطراتی خیلی پیش، جلوی چشم ما جان می‌گیرد. آدم‌ها وارد صحنه می‌شوند و آنچه بر ذمه آنهاست انجام می‌دهند و می‌روند؛ نقش ایفا می‌کنند اما گویی هیچ پرده‌ای بین واقعیت، خیال و تصاویر نیست. انگار کسی توی ذهن، شعر حمید مصطفی را دارد زمزمه می‌کند که:

هر کسی ز صحنه ی خود خواند و از صحنه رود صحنه پیوسته به جاست

خرم آن نغمه که مردم سپارند به یاد

علی حاتمی به قول مصطفی: خرم است چون او نغمه‌ایست که مردم به یاد سپرده‌اند. بعید است کسی هزارستان او را ببیند و زبان به تمجید نغشاید. یا دلشدگان را یا دیگر آثار او که هم پایب در خیال دارند و هم دستی در تاریخ تاریخی که هیچ جذباتی در شکل علمی خود برای مخاطب ندارد. علی حاتمی تاریخ را با روایتی که خود رد آن می‌دید، زنده کرد و روی پرده‌ها برد

**هزارستان**  
 هزاردستانی از کوچ و بازار، که علی حاتمی را به یاد دارند، یا شاید حتی نام او را ندانند؛ یا هزارستان او را شناختند. سریالی که در زمان خود، هیچ تبدیلی نداشت (هر چند قبل و بعدش دائمی‌جان ناپلئون، سربداران، گرگ‌ها، پاییز صحرا و ... یا توی جعبه جادویی گذاشتند) و مردم را بی‌هیچ حرف و خدیصی پای تلویزیون می‌نشاند و فردای روز نمایش هم دربارش حرف زده می‌شد. سریالی که حاتمی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ برای ساخت آن وقت گذاشت و ۸ سال از عمر خود را برای به آن صرف کرد. این سریال بی‌هیچ تردیدی فصلی نواز چنین تولیداتی را در کشور باب کرد. در یک نمونه، ساخته‌شدن شهرک سینمایی غزالی از دستاوردی این سریال است؛ شهرکی که به گفته خود علی حاتمی، «زمان شروعش جوان بوده و وقتی تمام شده پیرمردی» از شهرک بیرون آمده‌است. در این شهرک محله‌های اصلی مربع و قدیمی تهران با زیربنای ۷هزار مترمربع ساخته شده و ۳۰هزار متر مربع به خیابان لاله‌زار و میدان توپخانه اختصاص یافته‌است؛ آن هم به گونه‌ای که نمای بیرونی ساختمان‌ها قابل جابه‌جا شدن باشد و بتوان هر عمارت را به بنیای دیگر تبدیل کرد.

اما آن طور که اهل سینما و مطلقین گفته‌اند، فیلمنامه هزارستان ۸ تا ۱۰ بار بازنویسی شده است. همه اینها به زعم خود حاتمی باعث شد که فرم لایه‌لایه و هزارویک‌شگی کار از بین برود. حتی ماجرای عشق رضا خوشنویس به دختر استادش به کلی از بین رفت. به گفته‌ای ۱۱ ساعت از سریال «هزارستان» سانسور و خیلی از صحنه‌ها کم شد. گرچه این حذفیات هم‌اکنون در آرشیو صدا و سیما وجود دارد و در نسخه‌های بخش شده مختلف، صحنه‌هایی کم و زیاد می‌شود.

**دلشدگان**  
 روزی که دلشدگان علی حاتمی را دیدم، محوی موسیقی این فیلم و صحنه‌های ناب عشق دختر نابینایی شدم که از بی صدا می‌رفت. دلشدگان برداشتی آزاد و شخصی از سه داستان واقعی در زمان قاجار است که در آن گروهی از نوازندگان سازهای ایرانی برای بری کردن صفحه موسیقی به خارج از کشور سفر می‌کنند. نخستین داستان، است. سفر نوازندگان مشهور موسیقی ایران به شهر پاریس در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در دوران محمدعلی‌شاه قاجار به سرپرستی آقا حسینقلی برای ضبط صفحه موسیقی مربوط می‌شود. دومین داستان نیز سفر گروهی از هنرمندان برای ضبط صفحه به شهر لندن با پشتیبانی یک بازرگان ارمنی به نام هامبارسون است که پس از بازگشت از لندن میان وی و هنرمندان مشکلاتی به‌وجود می‌آید و قرارداد ضبط فسخ می‌شود. سومین داستان نیز سفر گروهی دیگر از موسیقیدانان به همین منظور به شهر تفلیس در سال ۱۲۹۲ خورشیدی است. سفر سوم در دوران احمدشاه قاجار رخ می‌دهد. در این سفر حسین طاهرزاده، ابوالحسن اقبال آذر، درویش خان، باقرخان رامشگر، و عبدالله دوامی همراهان سفر هستند که معروف است درویش خان برای هزینه‌های این سفر خانه خود را فروخته گذاشته‌است. آثار ضبط شده در این سفر به سبب وقوع جنگ دوم جهانی به‌طور کامل به ایران نمی‌رسند.

در فیلم دلشدگان نیز (که برداشتی از هر سه سفر برای ضبط موسیقی است) یکی از تاجران ایرانی-ارمنی به‌عنوان واسطه دربار احمدشاه قاجار و هنرمندانی غیروابسته به دولت می‌شود تا ایشان با هزینه کمپانی هند شرقی برای ضبط صفحه به پاریس بروند. در این سفر تاجر ایران به عهد خود وفا نمی‌کند و نهایتاً هنرمندان توافق می‌کنند که هزینه ضبط موسیقی را خودشان بپردازند تا این میراث برای همیشه باقی بماند. در این سفر هر کس خاطرات گذشته خود را به‌نوعی مرور یا بازگو می‌کند و سرانجام خواننده گروه به نام طاهر (بازی امین تارخ) دل‌باخته شاهزاده نابینایی ترک (با بازی لیلا حاتمی) می‌شود و در غربت جان می‌سپارد.

بخش شورانگیز این فیلم موسیقی آن است. طبیعی هم هست وقتی داستان فیلم درباره موسیقی ایرانی است، معلوم است که بخش‌هایی از نوازندگان خاص و روایاتی از فرهنگ اهالی موسیقی در دوران قاجار، به دست دهد. این صحنه‌ها با توانایی منحصصر به فرد علی حاتمی در خلق فضاهای قدیمی همراه شده‌است. و برای ضبط



## زیر پوست شهر

دردهای تن خسته این ملک، یکی، دوتا نیست؛ اهرجا که بساط کلوین را به‌پهن کنی، انگار قبر ناله‌های را نبش کرده‌ای که از زیر خروارها خاکش، جسد دردهای چال شده بیرون می‌زند و آه و افغان، مانند چاهی که به نفت رسیده باشد، فوران می‌کند. این ملک حالا چنین شده که در کنار سیاست و فرهنگ و البته اقتصاد، ناله‌های دیگری دارد. پای درد دل کارگرش که بنشین، تقریباً از همان جنس احوال را می‌بینی که با اهل تولید نشسته‌ای و از باب درد دل، لختی با آنها هم آوایی کرده‌ای. منشی فلان بنگاه خصوصی همان میزان ولع مهاجرت در سر دارد که پزشکش! و پاسخ به این سوال که هر بار در تاریک و خلوت تنهایی از خود می‌پرسی «ما را چه می‌شود که در این تنگنا و ضیق گرفتار آمده‌ایم؟» مثال همان دستان خالی است که دیگر برای تامین معیشت، رمقی ندارد. قصه روزگار ما قصه نپذیرفتن است. داستان همان معنادی است که تصور می‌کنند آنچه او گرفتارش شده و دیگران دارند می‌بینند، یک کلافی است که در تومهای حاصل از استنشاق گل و گیاه، به چهل کلاغ بلکه بیشتر بدل شده و شاید این سراغ در میان دو طیف حاکم و محکوم وجود دارد که آنچه محکوم دارد می‌اندیشند و آگویی می‌کنند، «الله‌های به‌خوشی» است که نه تنها ریشه در درد ندارد، بلکه این احتمال وجود دارد که تحت تاثیر جانیت اجانب، رنگ ضدیدت با خود را گرفته است.

## ستاره‌ها

### «بی‌بی جان» در جشنواره سینما حقیقت



**همدلی:** فیلم مستند «بی‌بی جان» اثر سید حمید میرحسینی کارگردان کرمانی، در بخش مسابقه ملی هجدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» نمایش داده می‌شود. به گزارش ایرنا، مستند حدوداً ۴۰ دقیقه‌ای بی‌بی جان، روایتگر زندگی بی‌بی‌جان کریمی‌زاده ساکن روستای دارستان سیرجان است که به‌تنهایی سرپرستی سه فرزند معلول ذهنی (بیمار بی‌کی‌وی) را بر عهده دارد و در این راه با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند اما همچنان عاشقانه و مادرانه در این مسیر سخت، بار زندگی را بر دوش می‌کشد.

میرحسینی فیلم‌ساز و کارگردان کرمانی در مصاحبه با خبرنگار ایرنا ضمن تأیید رادایی این اثر به جشنواره سینما حقیقت گفت که این مستند در بخش مسابقه ملی سینمای ایران در جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به‌عنوان اثر منتخب انتخاب‌شده است و به‌زودی در مجموعه چهارسو اکران می‌شود.

مستند بی‌بی جان سال گذشته در اولین حضور خود در فستیوال فیلم مادر نیز شرکت کرد و با نظر هیات داوران این فستیوال عنوان مستند برتر در بخش مفهوم مادری را به دست آورد، این فیلم همچنین به مرحله نهایی داوری جشنواره کوبر و زندگی راه یافت.

هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران، سینماحقیقت تا ۱۸ آذرماه به دبیری محمد حمیدی‌مقدم در پردیس چارسو برگزار می‌شود. ۲۱ مستند نیمه‌بلند و ۲۴ مستند بلند در بخش مسابقه ملی هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینماحقیقت حضور دارند.

سیدحمیدمیرحسینی متولد ۱۳۲۸ کرمان، فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۷۵ در انجمن سینمای جوانان ایران آغاز کرده؛ او کارشناسی سینما با گرایش تدوین از دانشگاه سوره دارد و عضو انجمن تهیه‌کنندگان مستند خانه سینما ایران است. این کارگردان باسابقه کرمانی ساخت ۹۰ فیلم مستند در بیش از ۱۰۰ جشنواره ملی و بین‌المللی تاکنون جوایز و عناوین مختلف در جشنواره‌های متعدد داخلی و خارجی کسب کرده است.

## چشمه

### از افشین بداللهی



یک‌شب دلی به مسلخ خونم کشید و رفت دیوانه‌ای به دام جنونم کشید و رفت پس‌کوجهای قلب مرا جستجو نکرد اما مرا به عمق درونم کشید و رفت یک آسمان ستاره آتش گرفته را بر التهاب سرد قروتم کشید و رفت من در سکوت و بغض و شکایت ز سرنوشت خطی به روی بخت نگونم کشید و رفت تا از خیال گنگ رهایی رها شوم بانگی به گوش خواب سکونم کشید و رفت شاید به‌پاس حرمت ویرانه‌های عشق مرم به زخم فاجعه گونم کشید و رفت تا از حصار حسرت رفتن گذر کنم رنجی به‌قدر کوچ کنونم کشید و رفت دیگر آسیر آن من بیگانه نیستم از خود چه عاشقانه بروتم کشید و رفت